



یامامورا؛ مادر تنها شهید ژاپنی دفاع مقدس

گفت‌وگو با نویسنده کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» که رهبر انقلاب بر آن تقریظ نوشته‌اند

۱۴

● دوشنبه ۵ دی ۱۴۰۱ ● ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۴ ● سال سی و یکم ● شماره ۸۶۷۴

دیروز و امروز اعتیاد در شهر

بسیاری از نقاط شهر تهران که روزگاری محل تجمع معتادان متجاهر بودند، مدتی است چهره‌ای جدید به خود گرفته‌اند

۱۶



زندگی



الگوی برای همه اعصار

بانوی بزرگوار اسلام و دیگر معصومین، الگوهایی انسانی هستند و تبدیل آنها به موجوداتی فرازمینی، امکان این الگو برداری را سلب می کند

هر نوع رفتاری که والدین با کودک‌ان داشته باشند، نقش اساسی در شکل گیری شخصیت آنها در بزرگسالی دارد. به همین دلیل است که همواره عنوان می‌شود تربیت کودک‌ان به هیچ عنوان کار ساده و راحتی نیست. تنبیه و تشویق از راهکارهایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌برند تا به این وسیله هم بتوانند رفتارهای ناپسند کودک را تربیت فرزندان خود به کار می‌برند تا به این وسیله هم بتوانند رفتارهای ناپسند کودک را اصلاح کنند و هم رفتارهای نیکوی او را تشویق به تکرار کنند. با وجود این، تنبیه غیراصولی کودک‌ان تأثیرات نامطلوب زیادی را بر شخصیت آنها بر جای می‌گذارد و باعث به‌وجود آمدن مشکلاتی در بزرگسالی‌شان می‌شود. اگر چه گفته می‌شود تنبیه یک روش آموزشی است تا به این وسیله رفتار نامناسب فرد، حذف شود اما این رفتار آموزنده زمانی مؤثر خواهد بود که اصولی انجام شود و صرف‌ا در جهت هدایت کودک به سمت رفتارهای درست باشد نه نشان دادن قدرت و صلابت والدین.

تربیت و فرزندپروری یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها در دین اسلام است. تعدد روایات، احادیث و توصیه‌های دینی از زمان انتخاب همسر تا بسته شدن نافه، دوران بارداری و شیردهی تا تولد و دوران کودکی و نوجوانی، به خوبی نگاه ویژه اسلام و امامان و اهل بیت(ع) را به این موضوع نشان می‌دهد. دین اسلام برای این امر برنامه دقیق و منسجمی دارد و از آنجا که دینی مبتنی بر وحی و کلام خداوند است، بهترین دستورالعمل‌ها را در حوزه تربیت و پرورش همه جانبه مخلوقات خداوند ارائه داده است. حضرت فاطمه زهرا(س)، مادر اهل بیت(ع) و دختر رسول خدا(ص) از آنجا که خود تربیت یافته پیامبر اکرم(ص) است و در رفتار و گفتار، تعالیم دین اسلام را تمام و کمال به نمایش گذاشته، شیوه‌های تربیتی‌اش به‌عنوان مادری نمونه مورد توجه واقع می‌شود. او تربیت یافته مکتبی و تربیت کننده در مکتبی است که انسان در سایه آن، واقعیت انسانی خود را یافته و از دیگر مخلوقات خداوندی مشخص و بر تر می‌شود. در برابر این مکتب تربیتی که رشد و پرورش همه جانبه انسان را دربرمی‌گیرد، مکاتب متعدد غربی وجود دارد که با نواقص گوناگون و آزمون و خطا، طی سال‌های متمادی روش‌های تربیتی را به والدین می‌آموزد. مکاتب و نظریاتی که اشکالات برخی‌شان بعد از گذشت سال‌ها و از دست رفتن دوران طلایی رشد و تربیت کودک، آشکار شده و نظریه‌های جدید جایگزین‌شان شده است. نظریاتی که برخی‌شان مبنای متفاوتی با مبانی تربیت اسلامی دارند.

الگوهای انسانی

آنچه اهل بیت و حضرت زهرا(س) به‌عنوان شیوه‌های تربیتی

شاخصه‌های تربیتی حضرت زهرا(س)

براساس بررسی زندگی و شیوه تربیتی حضرت زهرا(س)، ایشان چند شاخصه را در تربیت فرزندان‌شان پیاده می‌کردند. معیاد زارعی و راحله کاردوانی در مقاله مشترک خود با عنوان «بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی حضرت زهرا(س) در فرزندپروری با روش‌های مدرن» ضمن بررسی منابع دینی به چند شیوه اصلی این بانوی بزرگوار اشاره کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین آنها «الگودهی» است. شیوه‌ای که ایشان خود همواره همه مسائل را در حوزه‌های مختلف دینی، اجتماعی، از تباط با دیگران، حوزه اقتصادی و... رعایت می‌کردند و الگوی مناسب و بی‌نقصی برای فرزندان‌شان محسوب می‌شدند. عدالت، انصاف، راستگویی، توجه به دستورات خداوند، موضوعات خانوادگی و... از جمله این مسائل هستند. شاخصه دیگر ایشان روش «موظفه حسنه» است. ایشان در زمان‌های مختلف با فرزندان‌شان به بازی مشغول می‌شدند و در خلال بازی، نکات تربیتی و اخلاقی را در قالب شعر و کلام به آنها منتقل می‌کردند تا تأثیرگذاری مناسبی داشته باشد. «بجاء عادات درست از کودکی» نیز یکی دیگر از مولفه‌های مهم و محوری در تربیت فرزندان‌شان بوده است. چنان که از همان دوران طفولیت و در سن کم آنها را به عبادت و ارتباط با خداوند تشویق کرده و آنها را نیز به شیوه عادت عادت می‌دادند. «این حیون» در کتاب خود با عنوان «عائیم الاسلام» می‌گوید: حضرت زهرا(س) کودکان خود را برای شب‌زنده‌داری در شب ۲۳ ماه رمضان آماده می‌کردند و

که فرزندی مدبر و رهبر تربیت کند. آنها در عین حال دنیای کودکی خود را نیز داشتند. والدین نیز در زمان حاضر می‌توانند با همین دیدگاه فرزندان‌شان را تربیت کنند، از میان همین فرزندان امروز سال‌ها بعد مدیرانی انتخاب خواهند شد و در مناصب و جایگاه‌های مختلفی قرار خواهند گرفت و لازم است از هم‌اکنون با مسئولیت‌پذیری آشنا شوند.» او با تأکید بر اینکه ما در جامعه‌ای اسلامی زندگی می‌کنیم و لازم است اهداف والدین در تربیت فرزندان، همسو با اهداف جامعه اسلامی و تأثیرگذار در آن باشد، به برخی روش‌ها انتقاد کرده و می‌افزاید: «تعدادی از والدین، اهداف را با ارزش‌اشبه گرفته برای فرزندان‌شان به‌دنبال تحقق آرزوهای دست‌نیافته خودشان هستند و بعضاً آنها را نیز در این مسیر تحت‌فشار قرار می‌دهند. باید به این نکته توجه کرد که در هدف‌گذاری و تربیت فرزندان، امیال خودمان اولویت دارد یا آینده جامعه.» به گفته این پژوهشگر، حضرت فاطمه(س) و حضرت علی(ع) آفریده شده و می‌توانند پاسخگوی همه باشند. پس این تصور که معصوم بودن آنها امکان بهر‌مندی دیگر انسان‌ها را از روش و منش این بانوی بزرگوار سلب می‌کند، نادرست است. فاطمه منتظری، پژوهشگر حوزه دین و خانواده می‌گوید: «اهل بیت فرازمینی و فرا زمانی نیستند و به خواست خدا به‌عنوان الگوی بشریت به این دنیا آمده‌اند. آیا خداوند فعل ناقص و غیر حکیمانه‌ای انجام می‌دهد و کسی را الگو قرار می‌دهد که ما توانیم از او الگو بگیریم؟! امکان ندارد خداوند کار باطلی انجام دهد»

تربیت رهبران آینده

بعضی از ما شاید در نظر نمی‌گیریم که هدف از بچه‌دار شدنمان چیست و در این مسیر چه محورهایی را بایدید در اولویت قرار دهیم. آیا اصلا در پرورش و تربیت فرزندان، در مسیر اولویت‌هایی که خداوند در جهت اهدافش برای خلق عالم در نظر قرار داده حرکت می‌کنیم و اولویت‌های ما با آنها ستخیت دارد؟ منتظری با اشاره به شیوه تربیتی حضرت زهرا(س) در این خصوص به همشهری می‌گوید: «دخت نبی اکرم به‌عنوان کسی که قرار است رهبران جامعه را به دنیا بیاورد از همان دوران بارداری و دوران کودکی نهایت دقت را داشت



شرایط را طوری فراهم می‌کردند که آنها در طول روز به استراحت مشغول شوند تا بتوانند در آن نیمه‌شب به عبادت مشغول شوند و به این شیوه عادت کنند. در کنار همه اینها «بجاء ارتبساط و محبت مابین طفل و والد» نیز یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های تربیتی این بانوی بزرگوار بوده است. ایشان از در بچه محبت با فرزندان‌شان بسیاری از مفاهیم را به آنها منتقل کرده و آموزش می‌دادند. همان محبتی که سیره اصلی رفتار ائمه است. منتظری، پژوهشگر حوزه دین و خانواده نیز با اشاره به این مولفه‌ها و تأثیرگذاری اجرای آنها در دوران کودکی به برخی روش‌های والدین در عصر حاضر انتقاد کرده و می‌گوید: «برخی از مابین آموزه‌ها را مورد بی‌توجهی قرار داده و کودک را راه می‌کنیم و بعد از ورود فرزندان به دوره بلوغ جنسی و سن ۱۵.۱۴ سالگی می‌خواهیم به سراغ تربیت به‌ویژه در حوزه ارتباط با خداوند و آموزه‌های دینی برویم. این اشتباه بزرگی است. این سن دقیقاً سن درو کردن آموزه‌ها در سال‌های قبل و دوران کودکی است.»

خلاصه گزارش

آنچه اهل بیت و حضرت زهرا(س) به‌عنوان شیوه‌های تربیتی به کار می‌بستند بخشی از سیره عملی و سبک زندگی آنهاست و با بررسی و اجرای آن و عمل به روایات، احادیث و کلام خداوند در حوزه تربیت فرزند می‌توان به بهترین الگو و مکتب دست یافت و نتایج ارزشمند آن را مشاهده کرد.



حضرت زهرا(س) به عنوان مادری فعال و چندبعدی به خوبی می‌تواند برای ما الگو باشد، در حالی‌که برخی از ما تصور می‌کنیم چون مادر شدیم باید همانند عنصری حضری در جامعه باشیم.



بعضی از والدین، اهداف را با آرزو اشتباه گرفته و برای فرزندان‌شان به‌دنبال تحقق آرزوهای خودشان هستند و بعضاً آنها را نیز در این مسیر تحت‌فشار قرار می‌دهند. باید به این نکته توجه کرد که در هدف‌گذاری و تربیت فرزندان، امیال خودمان اولویت دارد یا آینده جامعه.



دخت نبی اکرم به‌عنوان کسی که قرار است رهبران جامعه را به دنیا بیاورد از همان دوران بارداری و دوران کودکی نهایت دقت را داشت که فرزندان‌ی مدبر و رهبر تربیت کند. آنها در عین حال دنیای کودکی خود را نیز داشتند.

هانی چیت‌چیان مدرس تدبیر در قرآن - بخش دوم

روشنا

آسان کن بر ما تغییر و خوب بودن را

نگاهی به مفهوم دعای حیات طیبه، دعای منسوب به حضرت زهرا

دعای حیات طیبه با موضوع عمل آغاز می‌شود. عملی که سبک زندگی انسان را شکل می‌دهد و براساس آنچه در قرآن کریم نیز آمده عمل یک انسان، خود انسان است. در ادامه دعا آمده است:

«آسان کن برای من اعمالی را که دوست داری و عاملین آن اعمال را هم دوست داری.» در قرآن ترکیب ایمان و عمل صالح، جزو پر تکرار ترین ترکیب‌هاست. انسان وقتی به کمال خود می‌رسد و زندگی‌اش زندگی می‌شود که اندیشه و عمل درست داشته باشد. این دو با هم زندگی را می‌سازند. آیا می‌شود انسان عملی را انجام دهد اما باور این عمل در او نباشد؟ بله مثل نماز خواندن از روی ریا. این عمل، او را به جایی که باید برساند نمی‌رساند. آیه‌وای بسر نمازگزاران آنها که در نماز سهو می‌کنند و از روی ریا می‌خوانند همین است. از طرف دیگر می‌شود باور درستی داشته باشیم اما به عمل درستی منجر نشود؟ بله این نیز ممکن است. باور قلبی باید در رفتار نیز بروز داشته باشد. فقط پاک بودن دل، امری ناقص است. نمی‌شود دل پاک باشد و باورها خوب باشند و در رفتار هر طور که خواستیم عمل کنیم، این ممکن نیست. برای ما در زندگی خودمان پذیرفته شده است که عمل نیازمند باور و باور نیازمند عمل است. هر دو باید باشند اما گاهی دچار این آسیب هستیم. افرادی که رفتار دینی با رفتارهای انسان دوستانه و درست دارند اما روی باورهای خودشان کار نکرده‌اند یا از آن طرف افرادی که روی باورهای خودشان کار کرده‌اند و آن را پرورانده‌اند اما روی عمل‌شان کار نکرده‌اند.

زمانی که شما سراغ کلام و وحی می‌روید می‌بینید این دو باید با هم باشد. در ساختن و ایجاد حیات طیبه نیز همین است. خداوند در قرآن می‌فرماید کسی که عمل صالح انجام دهد در حالی‌که مومن است و باور درست دارد این آدم زنده می‌شود. برای اینکه انسان از گرفتگی خارج شود و زنده شود قطعاً هم نیازمند باور خوب و درست است هم نیازمند عمل خوب. بی تردید هر کس هر جای زندگی‌اش احساس نادرست داشته و از آرامش بی‌بهره است، پویا و فعال نبوده و به هم ریخته است. یا عملش اشکال دارد یا باور یا هر دو. هر کدام از ما برای سنجش میزان باور و عمل‌مان می‌توانیم فهرستی از باورهای‌مان را آماده کنیم. سپس بررسی کرده و ببینیم چقدر از این باورها به عمل تبدیل می‌شود. یعنی وقت‌ها متوجه خواهیم شد عمل‌مان با باورهای‌مان متفاوت است یا بر خلاف آن است و باید آنها را درست کنیم. به‌عنوان مثال همواره می‌گوییم خدایا تو کی هستی و می‌منتای اما هیچ کاری برای یکی بودنش انجام نمی‌دهیم، این باور و اعتقاد، عمل لازم دارد. اینجااست که باید به قرآن مراجعه کرد، خداوند برای هر باوری یک عمل معرفی کرده و هیچ اعتقادی را بی‌عمل نگذاشته است. ترکیب باور و عمل در زندگی واقعی نقش بسیاری دارد.

این دعا به آسان شدن عمل نیز توجه کرده و آن را از خداوند خواسته است. ما در زندگی زمانی کاری برای‌مان آسان می‌شود که تداوم داشته باشد اما برخی کارها حتی در مرتبه اول چون دوست‌شان داریم یا به آن اعتقاد داشته یا احساس نیاز به آن داریم و زندگی‌مان را وابسته به آن می‌دانیم، انجام دانش برای ما راحت‌تر می‌شود. آن انگیزش، نگاه، اعتقاد و باور ما به آن عمل و این اخلاق است. بسیاری از ما کارهایی را دوست داریم در زندگی انجام دهیم اما چون سخت است سراغ‌شان نمی‌رویم. به‌عنوان مثال می‌دانیم باید تغییری در زندگی‌مان ایجاد کنیم، اخلاقی را ترک کنیم، اخلاقی را بیفزاییم اما به‌دلیل سختی این کار، به سراغش نرفته‌ایم. وقتی کاری برای ما خیلی سخت است بدین معناست که به آن اعتقاد نداریم و آن را با سخت بودن توجیه می‌کنیم. آیا واقاً ممکن است چیزی را دوست داشت یا به آن اعتقاد داشت اما تغییرش نداد؟! این بزرگ‌ترین مشکل ما آدم‌ها در تغییر نکردن است. دوست نداریم از حالت عادی‌مان خارج شویم برای همین تغییر سخت است. چرا برای امثال حر تغییر سخت نیست؟! تغییر کمی نبوده! چرا برای ما سخت است. دعا وقتی با این عبارت شروع شده یعنی موضوعی بسیار جدی است و واقع چکیده کل دعاست. «یسرلی» چکیده این دعا است. کسی که تغییر نمی‌کند یا تغییر کردن برایش سخت است، هنوز اعتقادش اشکال دارد. باور ندارد به اینکه خوب بودن با این ویژگی‌ها می‌دهد و مرده است و باید زنده شود. اگر فقط تمایل داریم که خوب شویم، فایده ندارد و خوب نخواهیم شد در دست مثل همین دوست داشتن‌هایی که دائم بی‌اعتقاد بر زبان می‌آوریم. اگر تصمیم داریم و می‌خواهیم در زندگی از این مردگی و عادت و تکرار خارج شویم و زندگی‌مان واقعاً زنده شود، باید قدرت تغییر پیدا کنیم و انجام دادن کارها و اخلاق نیکو و خوبی که آن را لازم می‌دانیم، برایمان آسان شود. این مهم چگونه رخ می‌دهد؟ با دعا کردن، با ارتقا دادن اعتقادات و باورها و تمرکز روی آنها و با توجه کردن به اینکه تا تغییر نکنم اثبات نکرده‌ام به چه چیزی اعتقاد دارم. این در شکل‌گیری حیات طیبه نقش دارد.